مصاحبه با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدتقی اکبرنژاد، تولیت مؤسسه فقاهت و تمدن اسلامی درباره کتاب «فقه نظام مالیاتی اسلام»

ملاک پرداخت مالیات در اسلام «خوداظهاری» است

مفاهیمی نظیر «انفال»، «فی»، «خمس»، «زکات» و «خراج یا طسق» در کتاب و سنت به کار رفته است. آیا این مفاهیم در منظومه دین و با روش اجتهادی شیعه در نظام روشنی کنار هم انسجام می‌یابند و تصویری از ساختار مالیاتی اسلام در اختیار ما می‌گذارند؟ کارکرد هرکدام از آنها چیست؟ خمس با زکات از حیث مصرف یکی هستند یا تفاوت دارند؟ خمس به چه نوع درآمدهایی تعلق می‌گیرد و زکات و خراج به کدام‌یک از آنها؟ مهم‌تر اینکه آیا موارد درآمدی که مشمول خمس و زکات می‌شوند، قابل توسعه هستند یا به موارد مذکور در کتاب و سنت محدود می‌مانند؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق با حجت‌الاسلام محمدتقی اکبرنژاد، تولیت مؤسسه فقاهت و تمدن اسلامی و مؤلف کتاب «فقه نظام مالیاتی اسلام» گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

سلام علیکم استاد، تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

بسم الله الرحمن الرحیم

بنده هم از شما تشکر می‌کنم به خاطر این ظرفیتی که فراهم کردید.

برخی بر این باورند که خمس و زکات مالیات اسلامی هستند، اما جواب‌گوی نیازهای روز حکومت نیستند؛ بنابراین باید دست‌به‌دامان مالیات‌های دیگری مانند مالیات بر حقوق یا مالیات بر مصرف شویم. این سخن را شما می‌پذیرید؟

اگر ما خمس و زکات را با همان تعریفی که الان در فقه ماست ببینیم، این حتما همین‌طور است، یعنی اگر بگوییم زکات به ۹ چیز تعلق می‌گیرد که درهم و دینار آن الان اصلا نیست پس از موضوع خارج است، بعد گاو و گوسفند و شتر و اینها هم به شرط اینکه علف نخورند، به آنها زکات تعلق می‌گیرد؛ یعنی با این قید هم همه دامداری‌ها که اتفاقا سرمایه‌دارها بیشتر در این فضا هستند، از موضوع زکات خارج می‌شوند، فقط می‌ماند همین‌هایی که ایلات و عشایر هستند که بخش عمده سال را به چرا می‌برند، خب اینها باید زکات بدهند، خب اینها هم که ثروتی ندارند، خودشان معمولا مورد حمایت حکومت‌ها هستند، عملا پس این هم منتفی می‌شود یا الان مثلا بخش کشاورزی در عمده زمان‌ها حداقل در کشور ما نیاز به حمایت دارد، می‌ماند کشاورزها که مثلا بخواهند زکات بدهند و طبیعتا این دیگر چیزی نیست که بشود با این آن فلسفه‌ای را که برای زکات وجود داشت که می‌فرماید اگر زکات داده شود، فقر در جامعه منتفی می‌شود، عملی کرد. برای همین هم هست که ما گفتیم این برداشت، برداشت غلطی است، ما شواهد و ادله فراوانی داریم و در این کتاب به تفصیل به این پرداختیم که این موارد ۹گانه موارد حکم حکومتی هستند، حکم شرعی نیستند، اصل زکات حکم شرعی است، ولی آن موارد ۹گانه و حتی کم و کیف پرداخت آنها مسائل حکومتی هستند یعنی حاکم با عنایت به ظرفیت‌های اقتصادی جامعه و فقر موجود در جامعه با یک کار کارشناسی اعدادی را مشخص می‌کند که فلسفه زکات تأمین شود، یعنی اگر فلسفه زکات این بود که فقر را برطرف کند این بتواند این کار را ولو در میان‌مدت یا بلندمدت انجام بدهد؛ بنابراین جواب من این است، اگر با همان نگاهی که در رساله‌هاست نگاه کنیم، این رساله‌ها حتی روستاها را هم آباد نمی‌کند تا اینکه بخواهد بودجه کشور را تأمین کند یا مثلا نسبت به خمس هم همین‌طور است، اگر ما بگوییم خمس فقط به همین چیزهایی تعلق می‌گیرد که در فتواها آمده است این باز همین‌طور است، اینها هم خیلی محدود می‌شوند، اساسا الان خیلی از احکام خمس قابل اجرا نیستند، فرض کنید الان ما معادنی داریم که بسیار پرسود هستند، این معنا ندارد که شما بگویید سود خالص آن هرچه شد یک‌پنجم آن را به حکومت بدهید و بقیه آن را خودتان بردارید، یعنی هزینه‌های جاری آن را هم حذف کنید، سود خالص آن هر چقدر شد چهار برای شما، یک برای ما، الان هیچ حکومتی زیر بار این نمی‌رود و این خودش اختلال درست می‌کند. برای همین هم است که ما گفتیم موارد خمس هم باز مسائل حکومتی هستند، حتی خود عدد خمس هم به نظر ما حکومتی است، در هر حال شما اگر به خمس و زکات با این نگاه بنگرید و قضیه را توسعه دهید، چرا نشود، در واقع با همین می‌شود بحث‌های حاکمیتی را ترتیب داد، اما اگر با همان نگاهی که در رساله‌ها تبیین شده است به مسئله نگاه کنیم نمی‌شود.

آقای اکبرنژاد این نگاه که شما به مسئله خمس و زکات داشتید نگاه نویی بود نسبت به نظر مشهور و دیدگاه مشهور در این زمینه، پس با این حساب آیا محدودکردن خمس به سادات فقیر یا مصارف حوزه‌های علمیه صحیح است، نظر شما در این مورد چیست؟

عرض کنم خدمت شما که اتفاقا یکی از بحث‌هایی که ما در این کتاب به صورت جدی به آن پرداختیم همین است و آنجا گفتیم اساسا طبق نصّ آیه قرآن که می‌فرماید زکات، خمس برای ایتام و مساکین و چه و چه است، هیچ قیدی برای سادات و اینها ندارد و به نظر ما بحث سادات که در روایات تأکید شده است و در این کتاب ما شواهد و ادله آن را جمع کردیم، اینها مقطعی بوده یعنی در یک دوره‌ای بوده است که سادات به‌شدت تحت فشار بوده‌اند، حتی شما نگاه کنید چقدر سادات پراکنده شده‌اند در اقصانقاط عالم، به‌شدت تحت فشار بودند و اذیت شدند و به حقوق خودشان عمدتا در حاکمیت و جامعه نمی‌رسیدند، به خاطر اینکه متواری و تحت فشار بودند، شما از همین‌جا می‌توانید حساب کنید که حضرات اهل بیت خودشان هم خیلی وقت‌ها زندانی و کشته شده‌اند، این نشان می‌دهد آن فشاری که روی سادات بوده باعث شده است امام معصوم به‌عنوان حاکم شرع این را تأویل کند و در آن مقطع صلاح را در این ببیند که بخشی از خمس برای سادات هزینه شود. نسبت به حوزه‌های علمیه هم همین‌طور است.

ما هیچ دلیلی نداریم بر اینکه زکات منحصرا در اختیار حوزه‌های علمیه قرار بگیرد، خمس منحصرا در اختیار حوزه‌های علمیه قرار بگیرد، البته خمس از این جهت که معمولا در طول تاریخ تشیع مهجور و تحت فشار بوده و مسائل دینی مردم معمولا متولی نداشته است، باز مردم برای مسائل مالی خودشان راحت‌تر هزینه می‌کنند تا مسائل دینی خودشان و از این باب که تقویت حوزه‌های شیعه یعنی اساس تشیع منوط به این بوده است که حوزه‌های شیعی تقویت شود، روی این اساس بوده که فقها درواقع به این فتوا دادند که یکی از مصارف اصلی و اولیه خمس حوزه‌های علمیه باشد، البته من عرض کردم خمس این نیست که الان گرفته می‌شود، اینکه الان مراجع دریافت می‌کنند، عمدتا خمس بر اموال شخصی است و آن هم بخش بسیار محدودی از جامعه این را پرداخت می‌کنند، اما اگر خمس از منظر حکومتی نگاه شود که مالیات بر ثروت‌های عمومی و انفال است این دیگر کلا حاکمیتی است و حاکم فقط در این تصرف می‌کند و این را به مصرف عموم جامعه می‌رساند.

استاد آیا مالیات‌های تصحیحی و تنبیهی که شبیه جریمه هستند مثل مالیات بر سیگار و بر خانه خالی، در اسلام جایگاهی دارد؟

ببینید مالیات‌های تصحیحی غیر از اینکه یک رویه عقلی و عقلایی است و مخالفاتی در شرع با آن اتفاق نیفتاده و همراهی هم شده است، مثلا فرض کنید شما می‌خواهید زکات بدهید، در پرداخت زکات اولا به ما گفتند به آدم فاسد و آدمی که درستکار نیست زکات ندهید، این یعنی چه؟ یعنی می‌خواهد با جهت‌دادن به پرداخت زکات به مستحق زکات، یک فشاری را بیاورد به افرادی که درستکار نیستند و آنها را وادار و مایل کند به درستکاری، خب این همان حیثیت تصحیحی قضیه است، یا مثلا فرض کنید در بحث مالیاتی که در اسلام داریم به طور خاص تصحیحی است، جزیه است، مالیاتی که بر اهل کتاب بسته می‌شود، کسانی که تحت حفاظت حکومت اسلامی هستند. یکی از فلسفه‌های این مالیات آن‌طور که در روایات آمده، برای این است که این مالیات آنها را وادار کند و درواقع در آنها انگیزه ایجاد کند برای اینکه به اسلام رو بیاورند، یا مثلا فرض کنید آن جایی که افراد غیرمسلمان بخواهند در جامعه اسلامی زمین بخرند، باید خمس بدهند یعنی مالیات باید بدهند، غیر از اینکه پول زمین را می‌دهند، بالاتر از آن باید هر آنچه قیمت زمین بوده، یک‌پنجم آن را هم اضافه بدهند، این درواقع یک مانع درست‌کردن است برای اینکه شبیه آن اتفاقی که مثلا در فلسطین زمانی افتاد که زمین‌های مسلمان‌ها خریده شد اتفاق بیفتد، یا مثلا از آن طرف هم داریم در بحث مشوق‌ها مثلا یک جاهایی دست ما را باز می‌گذارد، می‌فرماید هر کسی هر زمینی را آباد کرد برای خودش است در حالی که الان حکومت‌ها اینها را می‌فروشند، اینها را همین‌طور اجازه نمی‌دهند که کسی برود آباد کند، مگر جاهایی باشد که خود حاکمیت انگیزه‌سازی کند، برای همین ما روایاتی که در باب آبادکردن زمین است را از منظر تصحیحی نگاه می‌کنیم و حکم حکومتی می‌دانیم، یعنی این‌طور نیست که در همه زمان‌ها و زمین‌ها، مثلا زمین‌هایی است که می‌گوید خیلی زمین‌های باارزشی است و آبادکردن آنها زحمتی هم ندارد، به صورت طبیعی آدم‌ها انگیزه دارند برای آبادکردن، اگر شما آنجا بگویید هر کسی هر چیزی را آباد کرد برای خودش، ممکن است یک کسی که پولدار است بیاید هکتارها زمین را با یک هزینه کم آباد کند و به قیمت گزاف بفروشد، نه، اینها حالت‌های تشویقی دارد یعنی در جاهایی که انگیزه کم است برای آبادکردن زمین، شارع نه‌تنها پول زمین را نمی‌گیرد، بلکه هیچ مالیاتی هم از او اخذ نمی‌کند و او را تشویق می‌کند برای اینکه آبادانی را توسعه بدهد.

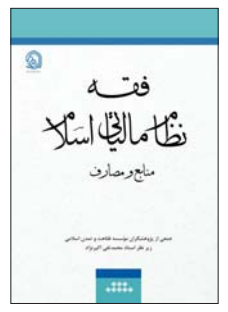

آیا شریعت برای افزایش مشارکت مالیاتی زکات راه‌هایی در پیش گرفته است؟ پیشنهادهایی به صورت نظام‌مند داشته است؟

خیلی سؤال جالبی است، چون واقعا این‌طور بوده است، ببینید مثلا یکی از کارهایی که شارع در همین راستا انجام داده، این است که زکات را محدود کرده است به منطقه پرداخت زکات و فرموده تا وقتی در آن منطقه فقیر باشد، زکات را منتقل نکنید به یک منطقه دیگر و این خودش یعنی انگیزه‌سازی، خود این یعنی تشویق، شما تصور کنید مردم ببینند اگر از من که پولدار هستم پولی گرفته می‌شود ولی این نمی‌رود در خزانه عمومی کشور، بلکه هر شهر یک خزانه‌ای دارد، این مالیات بر اموال شخصی که زکات است، این می‌آید در اینجا و اول گیر و گورهای خود این شهر را برطرف می‌کند؛ یعنی من می‌بینم اثر آن را و این یعنی شفاف‌سازی چون شفاف می‌شود، مشخص است این پول آمده در خزانه خود این شهر و به مصرف رسیده است و به مردم هم اعلام می‌شود، خب مردم یا می‌بینند یا به آنها اعلام می‌شود چون می‌بینند الان کجاها مصرف شد، مثلا می‌بینند برای شهر آنها سد زده شد، می‌بینند با این چقدر کار درست شد، چهار تا کارخانه زده شد، صد نفر مشغول به کار شدند، چند تا مثلا بیمار را درمان کردند، این خودش یکی از عوامل بسیار انگیزه‌ساز است و ما به این مسئله در این کتاب پرداختیم. یکی از بحث‌های آن این است؛ یکی از موارد خود این است که در نحوه اخذ زکات مشوق‌های زیاد معنوی و مادی بیان شده است. چقدر مثلا زکات در اسلام تعظیم شده، چقدر تکریم شده و جزء ارکان دین شمرده شده است؛ برای هر درهم و دیناری که آدم زکات می‌دهد چقدر ثواب‌های انبوه بیان شده است. یا در بحث‌های مادی آن حتی، آن را عامل آبادی زمین شمرده‌اند، یعنی کار فرهنگی؛ یکی از کارهایی که در اسلام، در بحث مالیات خیلی بر آن تأکید شده است، انجام کار فرهنگی است؛ یعنی غیر از اینکه مردم مالیات را می‌دهند باید ثمره آن را ببینند. الان مشکل ما در این مملکت این است که مردم اثر مالیات را نمی‌بینند. مردم حس می‌کنند یک دولتی دارند مثل چاه ویل است که هرچه در آن می‌ریزی خودش می‌بلعد و اثر مالیات را در خانه و زندگی خودشان نمی‌بینند، خود این یعنی بی‌انگیزه‌کردن، توجیه نیستند برای دادن مالیات، اما این در اسلام تمهید شده است، می‌فرماید در خود شهر هزینه کنید که مردم ببینند چه هزینه شد، فرهنگ‌سازی کنید، اهمیت آن را بیان کنید، کارکردهای آن را بگویید، اینها در اسلام وجود دارد. اینها عامل‌هایی است که در خود دین دیده شده است، حالا غیر از اینکه در نحوه حتی گرفتن آن هم این‌طور است یعنی چون برنامه‌ای بوده است که یک فرهنگ‌سازی اتفاق بیفتد و اثرات آن دیده شود، شما می‌بینید خوداظهاری در اسلام به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته است؛ یعنی به عامل‌ها اجازه تجسس ندادند، مگر اینکه مثلا برای آنها شواهدی اقامه شود. این آدم قایم می‌کند وگرنه به صورت اولیه بر مبنای اعتماد اتفاق می‌افتد و اینها خیلی تأثیرات مهم و جدی دارد. جالب است که الان ما در دنیا می‌بینیم به همین رسیده‌اند؛ یعنی آنها هم خوداظهاری را پذیرفته‌اند.

استاد موضع شارع نسبت به فرارهای مالیاتی چیست؟ مثلا درباره حیله‌های شرعی که در این زمینه وجود دارد، دیدگاه مثبتی دارد یا تدابیری برای جلوگیری از آن اندیشیده است؟

ببینید بحث حیَل شرعی فقط در اینجا نیست، بحث عامی است که بنده هم در این کتاب به آن پرداختم و هم در کتاب کلام فقاهی به آن پرداختم، نظر ما این است که شارع حیل شرعی را به آن ذهنیتی که الان در ذهن ما است، نپذیرفته است؛ یعنی مثلا اجازه بدهد شمایی که باید مالیات بدهید از مالیات فرار کنید، خمس باید بدهید از خمس فرار کنید، خب روشن است دیگر اگر غرض جدی است برگرفتن دیگر معنا ندارد. خود قانون‌گذار راه فرار را هم بپذیرد، البته این را بگویم در همه قوانین یک مفرهایی وجود دارد؛ مثلا فرض کنید خود قانون ممکن است به شما این فرصت را بدهد و بگوید این پول را مثلا فرض کنید کارخانه بسازی از تو مالیات نمی‌گیرم، این اشکالی ندارد، نیت این شاید هم فرار از مالیات باشد اما فراری است که خود قانون‌گذار این فرار را می‌پسندد؛ یعنی می‌گوید خب حالا اگر خواست فرار کند اشکال ندارد، چطور که همین الان هم قانون داریم اگر کسی به امور خیریه کمک کند، کارهای فرهنگی کند، آن مبلغی که کمک کرده است به کارهای فرهنگی جزء هزینه‌کردهای او لحاظ می‌شود و در مالیات او کم می‌شود، تأثیر می‌گذارد، به این معنا فرار مالیاتی الان هم وجود دارد و اشکالی هم ندارد، به این معنای آن در اسلام هم در یک مواردی هست، ولی به این معنا که قانون را لغو می‌کند و از خاصیت می‌اندازد نه؛ مثل تمام قوانینی که عقلایی هم هست که نباید این‌طور باشد، شاهد آن را هم نگاه کنید مثلا داستان اصحاب سبت که ما در قرآن داریم، روز شنبه ماهی زیاد می‌آمد روزهای دیگر کمتر بود، اینها قوم معصیت‌کاری هم بودند، خدا خواست اینها را امتحان کند، به آنها فرمود شنبه‌ها ماهی نگیرید، بقیه روزهای هفته ماهی بگیرید، اینها آمدند مثلا در عالم خودشان این قانون را دور بزنند تصمیم گرفتند در کنار دریا حوضچه‌هایی را درست کنند و آب دریا را به این حوضچه‌ها راه بدهند، شنبه‌ها ماهی‌ها می‌آمدند در این حوضچه‌ها پر می‌شدند و بعد نمی‌توانستند برگردند، اینها راه را می‌بستند، یکشنبه می‌آمدند اینها را برمی‌داشتند و می‌گفتند خب ببینید ما، به خیال خودشان قانون را دور زدیم، ما که شنبه ماهی‌گیری نکردیم، ولی خب به همین خاطر اینها مجازات شدند و جزء عذاب‌های دردناک است که قرآن از آن یاد می‌کند. این یکی از بهترین مصادیق حیل شرعی است که خدا را به بازی می‌گیرد، خدای متعال می‌خواهد نهایتا شما زکات بدهید که این فقیر از گرسنگی نجات پیدا کند، شرمنده زن و بچه خودش نشود، حالا شما یک فیلمی بازی کنید که این نتواند، نهایتا هم گرسنگی او است و شما هم پولدار هستید، این نه‌تنها گناه است، بلکه از کبائر است که خدای متعال تعجیل در عذاب او در دنیا هم کرده است.

سؤال پایانی اینکه از نظر شما امکان جایگزینی نظام مالیاتی موجود با نظام مالیاتی اسلام که متشکل از خمس و زکات و دیگرعناوین مالی است، وجود دارد؟

ببینید می‌شود این را به دو صورت جواب داد، یک وقت از حیث علمی به قضیه نگاه می‌کنیم یعنی می‌خواهیم بگوییم آیا این شدنی است یا نه؟ مثل اینکه الان می‌گویید آیا شدنی است ما آب دریا را بکشیم به کویر لوت یا نه، از حیث شدنی با آن تبیینی که در این کتاب شده است، این می‌شود، یعنی اگر موارد را حکومتی در نظر بگیریم، اندازه‌ها را اگر حکومتی در نظر بگیریم و دست حاکم و دولت‌ها باز باشد، با کار کارشناسی اینها را توسعه بدهند چرا نشود، می‌شود، اما اینکه با توجه به واقعیت‌های عینی این شدنی است؟ من فکر می‌کنم الان عملا ظرفیت این اقدام در کشور ما وجود ندارد.

خیلی ممنون، تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

خدا شما را حفظ کند. من هم از شما تشکر می‌کنم.

جدول ۴۰۰۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- پسندیده، مطبوع- شبنم- روشنایی ۲- اسکلت فلزی اصلی ماشین- فرستاده امام حسین(ع) برای بیعت‌گرفتن از مردم کوفه ۳- مروارید- پهلوان تورانی شاهنامه- حروف اختصاری نیروی انتظامی کشورمان- راهی که به آخر نمی‌رسد! ۴- فرمانده کیانی- کفشی سنتی- پرنده نجار ۵- گروهی از جانوران بی‌مهره- دورویی ۶- عالم وهم و خیال- پرنده‌ای از خانواده گنجشک- شکوه و جلال ۷- منطقه خوش‌آب‌وهوای تابستانی- رمان مشهور امیل زولا- شکاف ۸- یازده- ساز ضربی- جانشین وضو- چیز ۹- لکنت ناگهانی زبان- بسیار مشتاق- جهانگردی ۱۰- سخن شمرده- دشنام‌گو- همشیره ۱۱- برادر مرگ است- نتیجه‌گیری ۱۲- نرم‌افزاری برای کارهای گرافیکی- آواز بلند- بلوز زنانه بی‌آستین ۱۳- چهره- ژانری در سینما- زینت روی انگشتر- همسر زن ۱۴- بهترین گل‌زن تاریخ فوتسال ایران- سرگرمی پیش‌روی شما ۱۵- نازیبا- فلاکت و خواری- اشتهار

عمودی:

۱- لباس مردانه عربی- فتنه‌انگیز ۲- نوزاد حشره- پشت سر هم- وحشی‌گری ۳- بنابراین- مربوط به هنر- از خوراکی‌های سنتی کرمان- نشانه مصدر جعلی ۴- بخش زیرین- شیرینی خامه‌ای لوله‌ای- هدایت‌کردن ۵- پایتخت تابستانی هخامنشیان- مکنده ۶- تیراندازی- رو به آن نماز می‌خوانیم- سوغات یزد ۷- اقامت‌گزیدن- حرکات ورزشی رزمی نمایشی- نژاد، تبار ۸- روغن مو- آسیاب آشپزخانه- مغازه‌دار- اسب تبریزی ۹- آسوده و آرام- چند نکته- کفش ورزشی ۱۰- یوغ- همدم- آلوده به ننگ ۱۱- شیوه عمل- اختلاط ۱۲- امانتی- پناهگاه- ستاره ۱۳- کام- وسیله‌ای برای پرواز- نیاز- ورزش یک‌رقمی! ۱۴- از وزارتخانه‌ها- تفت‌داده و بریان‌شده- تمدن قدیمی در بین‌النهرین ۱۵- به طور تصادفی و اتفاقی- از بازی‌های قدیمی دورهمی‌های خانوادگی

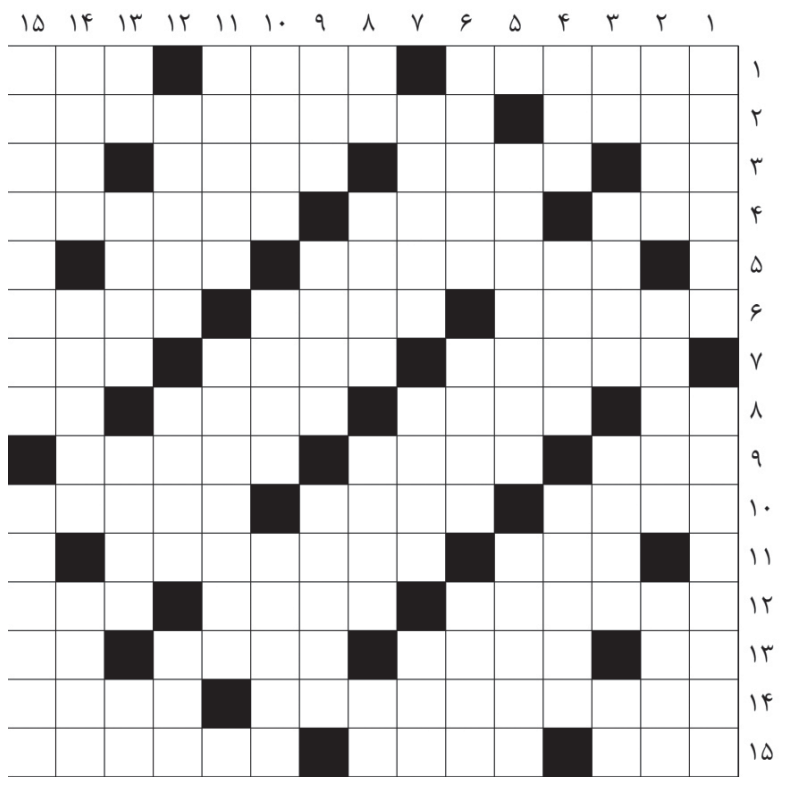

حل سودوکو سخت

۵	۹	۳	۸	۷	۱	۲	۴	۶
۲	۱	۴	۹	۵	۶	۸	۷	۳
۷	۶	۸	۲	۳	۴	۵	۱	۹
۸	۷	۵	۶	۹	۳	۱	۲	۴
۴	۲	۹	۵	۱	۸	۶	۳	۷
۶	۳	۱	۴	۲	۷	۹	۸	۵
۳	۵	۲	۷	۸	۹	۴	۶	۱
۱	۸	۶	۳	۴	۵	۷	۹	۲
۹	۴	۷	۱	۶	۲	۳	۵	۸

حل سودوکو ۲۹۹۵

۴	۳	۸	۱	۶	۹	۲	۵	۷
۱	۶	۷	۲	۵	۳	۴	۸	۹
۹	۵	۲	۸	۴	۷	۶	۳	۱
۳	۲	۴	۵	۸	۱	۹	۷	۶
۶	۷	۱	۹	۳	۲	۵	۴	۸
۵	۸	۹	۴	۷	۶	۱	۲	۳
۷	۱	۵	۳	۹	۴	۸	۶	۲
۸	۹	۶	۷	۲	۵	۳	۱	۴
۲	۴	۳	۶	۱	۸	۷	۹	۵

جدول ۳۹۹۹

سودوکو سخت ۲۹۹۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸		۳	۴					۷
		۱	۲		۶			
	۶		۷			۴		
								۳
۳		۷	۶		۵	۱		۲
۵								
		۹			۳		۴	
			۱		۲	۵		
۱					۸	۳		۶

سودوکو ساده ۲۹۹۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵	۶	۹	۱	۷				
		۴	۶					۱
	۱	۲			۴			
	۲	۱	۴		۳	۷		
۸			۲		۷			۴
		۳	۸		۱	۲	۶	
			۳			۹	۸	
۹					۸	۳		
				۱	۶	۴	۵	۷